

## کجا برم؟

من غیر دوست دست تمنا کجا برم؟  
این قلب پاره پاره از اینجا کجا برم؟  
در باغ حسن سنبل و نرگس هزارهاست  
جز پیش یار حاجت بیجا کجا برم؟  
بستانسرای عارض تو باغ دلگشااست  
این چشم را ز بهر تماشا کجا برم؟  
عهدی که بسته ای مشکن در خزان عمر  
گر بشکنی شکایت خود را کجا برم؟  
من با تو بار عشق و محبت کشیده ام  
بار غم تو ای گل زیبا کجا برم؟  
این خانه را من و تو بهم « ما » نموده ایم  
عشق ترا به خانه ی تنها کجا برم؟  
شمع شبان بی سحرم روی دوست بود  
ای نازنین حدیث تو شبها کجا برم؟  
برگرد، خانه در قدمت سر نهاده است  
مشکن دلم که چشم گهرزا کجا برم؟

رضا شاپوریان

چهارشنبه اول سپتامبر ۱۹۹۹